

کوشش‌های اولیه برای تشکیل اتحادیه‌های کارگری در ایران

کوشش‌های اولیه برای تشکیل اتحادیه‌ها در ایران، از سال ۱۹۰۶، یعنی از مرحله‌ی انقلاب اول، آغاز شد. در آن موقع کارگران چاپ‌خانه‌های تهران، که زیر نفوذ شدید دمکرات‌ها قرار داشتند، اتحادیه‌های خود را تشکیل دادند. ولی بعداً موقعی که ارتجاع تسلط یافت و هنگامی که حزب دمکرات تغییر ماهیت داد و پیشوایانش پس از رسیدن به پست‌های وزارت، مدافع جدی تاج و تخت شاه شدند - این اتحادیه بدون این که به موفقیت چشم‌گیری برسد، منحل شد. این وضع تا سال ۱۹۱۸ ادامه یافت. سالی که قحطی بی سابقه، تقریباً سراسر نواحی شمال ایران را فرا گرفته بود و صدها و هزاران نفر از گرسنگی تلف می‌شدند و گرانی دایم التزاید خواربار، توده‌های وسیع کارگران و زحمت‌کشان را به مرگ از گرسنگی تهدید می‌کرد. این بار نیز کارگران چاپ‌خانه‌های تهران پیش قدم شدند و اتحادیه‌های صنفی خود را تشکیل دادند. آنان بعد از چند اعتصاب، دولت را وادار ساختند که لایحه‌ی قرارداد دسته‌جمعی را که توسط خود آن‌ها تنظیم شده بود و روابط متقابل کارگران و کارفرمایان را معین می‌کرد، تصدیق نماید. ضمناً تا حدی وضع اقتصادی خود را بهبود بخشیدند. در این قرارداد، هشت ساعت کار روزانه، سیستم پرداخت اضافه‌کاری، بهبود شرایط بهداشتی در متبعه‌ها و غیره مقرر شد. این موفقیت نسبتاً بزرگ کارگران چاپ‌خانه‌ها، روحیه‌ی کارگران دیگر رشته‌ها را فوق‌العاده بالا برد، به طوری که آن‌ها نیز به تدریج دست به تشکیل اتحادیه‌های خود زدند.

تا اول ژانویه‌ی سال ۱۹۲۳، وضع اتحادیه‌های صنفی تهران به شرح زیر بود:

۱- اتحادیه‌ی کارگران چاپخانه‌ها	۱۸۰ نفر	تلگراف چیان تهران	۲۰۰ نفر
۲- اتحادیه‌ی بزازه‌ها	۳۵۰ نفر	تلگراف چیان تمام ایران	۲۰۰۰ نفر
۳- اتحادیه‌ی نانواها	۳۰۰ نفر	کفاشان	۳۰۰ نفر
۴- اتحادیه‌ی کارمندان تجارت‌خانه‌ها	۲۵۰ نفر	خیاطان	۲۰۰۰ نفر
۵- اتحادیه‌ی نامه‌رسانان	۹۰ نفر	یراق بافان	۱۵۰ نفر

در سال ۱۹۲۰ برای رهبری عمومی و امور تعلیماتی و هم چنین برای تشکیل اتحادیه‌های تازه، شورای اتحادیه‌های تهران تشکیل شد که در آن از هر اتحادیه سه نفر نماینده‌ی منتخب شرکت دارند. بدین ترتیب در اوایل سال ۱۹۲۲، تمام اتحادیه‌های مذکور با قریب ۱۰ هزار عضو که ۲۰ درصد تعداد کل کارگران تهران را تشکیل می‌دهند، به شورای اتحادیه‌ها ملحق شدند.

بزودی شهرهای ایالات نیز از تهران سرمشق گرفتند و در این شهرها به استثنای تبریز، اتحادیه‌هایی تشکیل شد. اکنون در ایران مجموعاً حدود ۲۰ هزار نفر کارگر و کارمند عضو اتحادیه‌های صنفی هستند. اتحادیه‌های ایران با این که تازه تشکیل شده‌اند، طی شش ماهه‌ی آخر سال ۱۹۲۱ به چند اعتصاب موفقیت‌آمیز دست زدند. بدین ترتیب، اتحادیه‌های صنفی رفته رفته نقش چشم‌گیری در صحنه‌ی سیاسی ایران بازی می‌کنند. اتحادیه‌ها یک دفتر مرکزی نیز دارند، که در نوامبر ۱۹۲۲ تاسیس شده و جزء اتحادیه‌های سرخ انترناسیونال مسکو می‌باشد.

برای ترسیم دورنمای آتی جنبش کارگری در ایران و نشان دادن آن رشته‌های تولیدی‌ای که کارگران‌شان به عضویت اتحادیه‌ها درمی‌آیند، جدول زیر را می‌آوریم. البته در این جدول فقط کارگاه‌ها و موسسات تبریز و تعداد کارگران آن‌ها در اوایل سال ۱۹۲۲ نشان داده شده، ولی نمونه‌ی مشخصی برای سایر شهرهای ایران نیز هست.

نوع تولید	تعداد کارگاه یا موسسه	تعداد کارگران
فرش بافی	۱۷۵	۲۶۲۵
نخ ریسی	۱	۱۵۰
بافندگی (فاستونی)	۲	۲۰۰
بافندگی (عبا)	۱۰	۱۰۰

۱۰۰	۲۰	بافندگی (uLep)
۱۸۰	۳۰	بافندگی (شال)
۵۰	۱۰	ظروف چینی بدلی
۱۲۰	۸	چاپ خانه
۳۵	۷	باسمه
۳۰۰	۳۰	دخانیات
۵۰	۵	پاپيروس سازی
۵۰	۵	آجر پزی
۳۰	۳	باروت سازی
۱۰۰	۲۰	دوشاب
۲۰۰	۴۰	رنگرزی
۶۰	۱۰	صابون پزی
۵۰	۵۰	آهن گدازی و گچ پزی
۴۴۰۰	۲۸۱	

به این فهرست باید کارگاه های زیر را افزود:

— کارگاه های کوچک صنعت گری نظیر آهن گری، ریخته گری، چلنگری، جوراب بافی، نانوبی و غیره

۴۶۸۰ ۱۰۹۰

— سایر کارگاههای پیشه وری: دباغی و سرآجی،

۱۹۴۲ ۴۷۰ — سلمانی و مواد غذایی

— موسسات بازرگانی و بنگاه های

معاملاتی ۳۸۶۵ ۱۸۶۵

— تعداد مفتی ها، سقاها،

۵۵۲۵ سنگ تراش ها، باربرها و غیره

۵۳۰ — در ادارات و مؤسسات دولتی

— کارگران سایر حرف، دلال ها،

۲۰۰۰ ارابه چی ها، باغبان ها و غیره

بدین ترتیب، تعداد افراد مزدبگیر در تبریز برابر با ۲۲۹۴۲ نفر است و اگر خدمت کاران منازل و بیکاران را که تعدادشان در ایام اخیر به علت بحران اقتصادی افزایش یافته، بر این رقم علاوه کنیم، آن وقت رقم کل به حدود ۳۰ هزار نفر خواهد رسید.

تبریز از بسیاری لحاظ یک نمونه کامل برای سایر شهرهای بزرگ ایران، مثلا اصفهان، شیراز، کرمان، یزد، تا حدی رشت، مشهد، قزوین و غیره بشمار می رود. و اما درباره ی تهران باید خاطر نشان کرد، که طبق آخرین آمار در این جا تعداد افراد مزدبگیر ۵۰ هزار نفر است.

بهره کشی و استثمار در این کارگاه ها و موسسات واقعا وحشت ناک است. تقریبا هیچ قانونی درباره ی مدت کار روزانه وجود ندارد و به همین سبب، هر کارفرمایی هر طور دلش خواست با کارگران رفتار می کند. به خصوص صاحبان کارگاه های کوچک بیداد می کنند. در این کارگاه ها، ۱۱-۱۲ ساعت کار روزانه یک امر عادی محسوب می شود. استثمار در کارگاه های قالی بافی، که کارفرمایان به معنای واقعی کلمه عرق زنان و کودکان را در می آورند، وحشت ناک است. مدت کار روزانه در این کارگاه ها از ۱۰ الی ۱۲ ساعت است. ضمنا خردسالان درست به اندازه ی بزرگ سالان کار می کنند و پذیرش یا اخراج کارگران مطلقا وابسته به رای مدیر کارگاه است. برای نمونه، تصویب نامه ی لازم الاجرای دولت در مورد مقررات کار در کارگاه های قالی بافی کرمان را در این جا نقل می کنیم. به این مناسبت تلگرام زیر از

کرمان به تهران فرستاده شد:

«۱۰ دسامبر سال ۱۹۲۱، ما صاحبان کارگاه های قالی بافی مطابق دستور دولت، در حضور والی، تعهد زیر را در کلیه ی کارخانه ها، کارگاه ها، اعم از این که به کارفرمایان ایرانی متعلق باشند یا اتباع خارجی، به عهده می گیریم: ۱- به هیچ عنوان به کار اجباری متوسل نشویم و شرایط استخدام را بر اساس توافق طرفین منعقد کنیم؛ ۲- شرایط قرارداد پس از حاکم شرع بایستی توسط مدیر کارخانه در شعبه ی وزارت فواید عامه به ثبت برسد و در آن جا نیز تصدیق شود؛ ۳- کلیه ی کنترات هایی که تا ۱۳ مارس امسال (اول حمل) منعقد شده اند، ملغی محسوب می شوند و کنترات هایی که بعد از این تاریخ منعقد شده، بایستی مطابق بند دو این تعهد نامه برای ثبت به اداره ی فواید عامه تسلیم شوند؛ ۴- مدت کار تمام کارگران و افرادی که در تولید شاغل هستند، و در تمام فصول سال، ۸ ساعت تعیین می شود؛ ۵- پسر بچه هایی که در تولید کار می کنند، نباید سن شان کم تر از ۸ سال و دختر بچه ها کم تر از ۱۰ سال باشد؛ ۶- کار باید در حد امکان خود موافق دستورات نمایندگان نظارت صحتی این کار را انجام دهند؛ ۷- از این تاریخ تا ۱۳ مارس سال آینده، که مساله ی پاداش کارگران به طور نهایی مورد تجدید نظر قرار خواهد گرفت، میزان پاداش کارگران ۵ درصد افزایش می یابد؛ ۸- کارگاه ها باید روزهای جمعه و اعیاد تعطیل شوند؛ ۹- کارگاه های زنان و مردان باید از هم جدا شوند؛ ۱۰- جمعیت قالی باف موظف به اجرای مقررات مذکور بوده و در صورت تخلف به بازخواست جلب خواهد شد. تفتیش و نظارت بهداشت بر کارگاه ها به عهده ی دکتر احیاء الملک محول می شود.»

ما تعدداً متن کامل این سند را آوردیم، تا نشان دهیم که کارگر ایرانی و عائله ی او در چه شرایط دوزخی زندگی و کار می کنند. از قرارداد پیداست، که در کرمان نه تنها کار طویل المدت معمول است، نه تنها ابتدایی ترین شرایط بهداشتی و تعطیل در هفته وجود نداشت و نه تنها استثمار کودکان شش ساله رواج داشت، بلکه کار اجباری هم مرسوم بود. یعنی کارگر در واقع به صورت سرف و برده ی ارباب خود درمی آمد. اصولاً تنها خود واقعیت مداخله ی حکومت تهران در این کار نشان می دهد، که وضع کارگران کرمان تا چه حد شاق و توان فرسا بوده است. باید متذکر شد، که این استثمار وحشیانه تنها منحصر به کرمان نبوده است، بلکه در خراسان، آذربایجان، سلطان آباد (اراک)، فارس و همه جا و هر جا که قالی بافی دایر است، چنین استثماری وجود دارد. در کارگاه های قالی بافی به طور کلی زنان و کودکان کار می کنند. کار از طلوع آفتاب شروع می شود و تا غروب (۱۳-۱۴ ساعت) ادامه دارد. کودکان خردسال از ۶ سال به بالا به کار پذیرفته می شوند. دختران از ۶ تا ۱۲ سال از ۲ تا ۲۵ شاهی در روز مزد می گیرند. دختران از ۱۴ سال به بالا اگر بتوانند مستقل کار کنند و دیگران را تعلیم دهند، از ۱۵ تا ۳۰ شاهی در روز مزد می گیرند. خوراک معمول آنان فقط نان و آب است. و اگر گرانی یا قحطی شروع شود، مرگ و میر در میان آنان با سرعت برق افزایش می یابد. چنین است نحوه ی تولید آن قالی های نفیس و زیبایی که در ایران و خارجه زینت بخش بهترین کاخ ها و سالن های بورژواهاست.

بدین سان، در مقابل اتحادیه های ایران، میدان فعالیت مساعدی برای نجات هزار کارگر زن و مرد از استثمار دهشت ناک و بالا بردن سطح زندگی اقتصادی و فرهنگی آنان گشوده می شود. البته اگر زمام حکومت در دست خود کارگران می بود، آسان تر می شد به این هدف نائل آمد. ولی منافع نه تنها کارگران، بلکه دهقانان نیز حکم می کند که قبل از هر چیز بقایای فئودالیسم ریشه کن شود و در شرایط موجود با استفاده از پشتیبانی عناصر بورژوا دمکرات کشور، می توان و باید این کار را انجام داد.

هم زمان با این کار ما باید سازمان های خود را مستحکم و نیرومند سازیم، زیرا در جریان پیکار تا آخرین دقیقه، شکل و یک پارچگی طبقه ی مبارز به خاطر آزادی خود به صورت عامل قاطعی برای تمام روند آتی انقلاب درمی آید.

* * *

بخشی از نوشته ی آ. سلطانزاده درباره ی جوانب عمده ی زندگی ایران، مسکو ۳۱ ژوئیه سال ۱۹۲۲، مندرج «اسناد تاریخی جنبش کارگری، سوسیال دمکراسی و کمونیستی ایران»، جلد چهارم، انتشارات مزدک